

15.05.2011

پس از مرگ بن لادن؟

اعلان مرگ اسامه، سردمدار تشکیلات تروریستی القاعده، صرف نظر از اینکه مرگ وی دقیقاً چه وقت و به چه شکل و شیوه‌ی صورت پذیرفت، در واقع، اعلام ختم صرفاً یک بخش از درامه‌ی خونین و آوازه برانگیز دهه‌ی اخیر " تروریسم " در منطقه بحساب می‌رود. علی‌رغم نابودی رهبر القاعده، برنامه‌های وسیع استراتژیک ایالات متحده در افغانستان و کشور های منطقه هنوز به پایان خود نرسیده است. هرچند قتل اسامه در خاک پاکستان، مانند سالهای اخیر زنده گی اش، هم پرهنگامه بود، هم سؤال برانگیز و هم برای حکومت مداران پاکستانی ایجاد گر درد سر های جدی و شرم آور سیاسی.

بهر حال، اکنون سؤال اساسی اینست که پس از قتل بن لادن، چه واقع خواهد شد و وضعیت در افغانستان و پاکستان بر چه منوال خواهد بود؟ هرچند کاخ سفید و حلقاتی در کانگره و وزارت دفاع امریکا، از اینکه اسامه ظرف ده سال اخیر در آستین (آی اس آی) پاکستان پنهان شده و پاکستانی‌ها پیوسته از وجود او در خاک شان انکار می‌کردند، خشمگین بوده و حتا برداشتها و اظهاراتی مبنی بر احتمالات سیر نزولی روابط دیپلماتیک امریکا با پاکستان، اینجا و آنجا بروز کرده است، و اما، به اعتقاد ما، روابط فی مابین دو کشور، علی‌رغم آنهمه نوسانات اخیر، چندان تیره و یا گسسته نخواهد شد که خطری را متوجه اصل و اساس اتحاد دیرینه و استراتژیک هر دو مملکت گرداند. این گفته روی دو دلیل استوار خواهد بود: اول اینکه پاکستان ظرف بیشتر از نیم قرن، متکای سهل و مطمئن منافع انگلیس و امریکا در این بخش از بر اعظم آسیا بوده و تا سالهای دیگر نیز چنین خواهد بود. و دوماً، ایالات متحده بخاطر تطبیق بیشتر برنامه‌های خاص و عام سیاسی – اقتصادی خویش در آسیای مرکزی و آسیای میانه و همچنان غرض مقابله با اتحاد شکل گرفته‌ی رو به تکامل " سازمان همکاری های شانگهای "، هنوز هم به پاکستان نیاز مند است و اما از قرینه چنین بر می آید که ابرقدرت امریکا در عین حال در نظر خواهد داشت همان سان که می‌خواهد حضور دایمی اش در افغانستان را حفظ نماید، چهار چوب جغرافیای سیاسی پاکستان را نیز آهسته آهسته متحول بسازد. مثلاً، یکی از موانع بالفعل و درد سر ساز در جهت به پیروزی رسانیدن برنامه‌های امریکا در دو کشور افغانستان و پاکستان، همین حالا موجودیت قبایل پشتون نشین توأم با سنت های دیرینه‌ی قبیله‌ی، اثرات نا هنجار بیسوادی، بیکاری و جدا ماندن از تمدن شهری و مزایای یک دولت متمدن است

که مورد نظر استعمار هند برتانوی در دو قرن گذشته بوده و حالا هم بر وفق مراد حکومتگران پاکستان است. بنابراین، ملاحظه میشود که وجود همین کمبودها و نقایص علمی، سیاسی و اقتصادی موجب شده اند که مناطق قبایلی به سهولت، نه تنها به چراگاه تروریسم بین المللی مبدل شود، بلکه در عین حال، منبع گروه های جنگنده ی ایلجار به نفع یکطرف و به زیان طرف دیگر گردد. همین موضوع باعث شده که ایالات متحده ی امریکا، مناطق قبایلی شمالغرب پاکستان را مانع درد سر ساز در برابر تطبیق برنامه های استراتژیک خویش در منطقه بداند. کارشناسان امریکایی، به منظور پس زدن چنین مانع سیاسی- فرهنگی، طرح ها و پیشنهاد های مختلفی ارائه میدهند که ما از میان مجموع طرح ها، دو، سه تای آنها در اینجا متذکر میشویم: اول) غرض کنترل مؤثر سرحدات، کوتاه کردن دست نظامیان پاکستانی از نفوذ مستمرشان بخاک افغانستان و خالی کردن پشت جبهه ی گروه طالبان، امریکا باید اقدام به تشکیل یک قوای مسلح چند ده هزار نفری مزد بگیر و باز دارنده از میان قبایل اطراف خط " دیورند" نماید که امر و نهی آنها در نهایت، در ید اختیار امریکا باشد. دوم) تجزیه ی افغانستان به (شمال و جنوب). یعنی مجموع پشتونهای قبایلی و گروه های مسلح طالبان بتوانند " ملت " جداگانه یی را تشکیل داده از جنگ و مخالفت با نیرو های امریکایی دست بکشند و به شمال افغانستان کاری نداشته باشند. و سوم) ایالات متحده توجه سازنده و بهیخواهانه اش را بالای مردمان مناطق قبایلی متمرکز نموده آنها را با خرچ بلیونها دالر در بخشهای معارف، صحت، تجارت و امور تولیدی متمدن بسازد تا بدین صورت، از یکطرف تدریجاً مکانیسم دولت داری مدرن به وجود آید و از سوی دیگر، با مزایا و برنامه های جهان غرب خصومت ورزی صورت نگیرد. البته در صورتی که طرح سومی مورد تأیید و تطبیق قرار گیرد، به نحوی از انحاء، تشکیل " پشتونستان" یا حکومت آزاد پشتونی در آن ساحه را تداعی خواهد کرد. تردیدی وجود نخواهد داشت که در چنین حالتی، جانب پاکستان در برابر آن، با تمام امکانات مقاومت خواهد نمود، الی که بخشهای پشتون نشین افغانستان با بخشهای قبایلی پاکستان مدغم ساخته شده همان " ایالت پختونخواه " (ظاهراً طرح پشتونی) تحت فرمان حکومت فدرال پاکستان به وجود آورده شود.

یکی از انعکاسات مرگ بن لادن و طرح خروج نیرو های امریکایی در سال 2014م اینست که عناصر متنفذ اداره ی باراک اوباما و سناتوران حزب جمهوریخواه امریکا هشدار میدهند که اکنون مرگ اسامه شریطی را در منطقه ایجاد کرده است که استقرار درازمدت نیرو های امریکا و متحدان آن در افغانستان را الزامی می سازد.

بهرحال، آنچه مسلم مینماید اینست که هنوز ایالات متحده ی امریکا در آغاز کار قرار دارد و سعی میکند در صورتی که بتواند از میان چلنج ها و چالشهای متعدد سیاسی - رقابتی پیروزمندانه بدر آید،

حضور فزیکى نظامى اش را بخصوص در افغانستان حفظ نماید. البته گذشت زمان خواهد توانست چگونه گى اوضاع را بصورت روشنتری به نمایش گذارد. (پایان)